

Es kaum fassen روز لغت Wort des Tages können

Es kaum fassen können یک اصطلاح می باشد

باورم همیشه ، به سختی می تونم آنرا باور کنم ، نمی تونم آنرا بفهمم ، به سختی می تونم آنرا بفهمم

این اصطلاح زمانی کاربرد دارد که مثلا شما در یک قرعه کشی بانک برنده می شود و از بانک با شما تماس میگیرند و می گویند ، شما در قرعه کشی بانک ما برنده شده اید و شما می گوید باورم همیشه! یعنی واقعا من برنده شده ام!

اصطلاح بالا نیز کاربردی اینگونه دارد.

kaum

به زحمت ، به سختی ، اصلا ، خیلی کم ، به دشواری ، گمان نکنم ، درست همان موقع ، همانندم که ، اندکی کمتر از

fassen

چیزی را با دست یا انبردست گرفتن ، غلبه کردن به حالت که به شخص دست داده است ، مراقبت کردن ، مواظب بودن ، دستگیر کردن ، متوجه شدن ، فهمیدن ، قاب کردن ، بر خود تسلط شدن ، ابراز کردن ، به زبان آوردن ، کسب کردن ، به دست آوردن ، جا گرفتن ، چیزی در جای خودش به درستی قرار گرفتن

Ich kann es kaum fassen, aber meine Mutter hat 20 000 Euro im Lotto gewonnen

باورم همیشه ، اما مادر من در لوتو (بلیط بخت آزمایی) ۲۰ هزار یورو برنده شده است

http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2017/05/fassen_koennen.mp3

اما اجازه بدید نگاهی داشته باشیم به فعل پر کاربرد fassen

گذشته ساده : fassten
گذشته کامل : haben gefasst

موقعیت اول : هرگاه چیزی را با دست محکم بگیریم :

Jemanden am Arm fassen

کسی را در آغوش کشیدن و آنرا محکم گرفتن یا فشردن

Jemanden bei der Hand fassen

کسی را با دست محکم گرفتن

موقعیت دوم : هرگاه با دست به چیزی دست زدن

An den heißen Ofen fassen

به جای داغ گاز دست زدن

زمانی که شعله گاز هنوز داغ است به آن دست زدن

حالت سوم : کسی را دستگیر کردن

Der Täter konnte schließlich bei einer Razzia gefasst werden

قاتل در نهایت در هنگام گشت پلیس توانسته شد دستگیر شود

حالت چهارم : وقتی چیزی به درستی در جای خودش عمل نمیکند ، مثلاً یک چرخ دنده از جایش خارج شده باشد یا پریده باشد بیرون

Das Zahnrad fasst nicht mehr richtig

آن چرخ دنده دیگر در جای خودش قرار ندارد

حالت پنجم : چیزی را فهمیدن و به آن پی بردن ، چیزی را درک کردن ، به احساسی پی بردن

Ich fass es nicht

من این را نمی‌فهمم!

Ein Schauer fasste ihn

یک احساس سرمای شدید کرده

یک احساس سرمای شدید به او دست داد

Entsetzen hatte sie gefasst

او (مونث) احساس ترس و هراس کرده بود

او (مونث) احساس هول و وحشت کرده بود

حالت ششم : چیزی را گرفتن ، مال خود کردن

Der Tank fasst 50 Liter

آن باک ۵۰ لیتر میگیرد

آن باک می تواند ۵۰ لیتر در خودش جا بدهد

Der Saal fasst 1 000 Zuschauer

آن تالار یا سالن ۱۰۰۰ تا تماشاگر میگیرد (تفکر آلمانی)

آن تالار یا سالن می تواند ۱۰۰۰ تا تماشاگر در خودش جا بدهد

حالت هفتم : چیزی را به عنوان قاب مورد استفاده قرار بدهیم ، مثلاً قاب عینک

Einen Edelstein in reines Gold fassen

یک سنگ قیمتی از طلای خالص را به عنوان قاب در جایی نشانیدن

پی ببریم که آن سنگ قیمتی از طلای ناب یا خالص بوده است

بد نیست که در پایان نگاهی هم داشته باشیم به kaum

حالت اول : تقریباً هیچ چیز

Ich habe kaum geschlafen

من اصلاً نخوابیده ام

من خیلی کم خوابیده ام

Ich kenne sie kaum

من او (مونث) را خیلی کم می شناسم

حالت دوم : به سختی یا دشواری

Das ist kaum zu glauben

به سختی همیشه آنرا باور کرد

حالت سوم : گمان نکردن

Sie wird jetzt kaum noch kommen

گمان نکنم او دیگر بیاید

Ohne Sie hätten wir den Weg kaum gefunden

بدون شما ، گمان نکنم ما می توانستیم آن مسیر یا راه را پیدا کنیم

حالت چهارم : از نظر زمانی ، هم اکنون ، همین حالا ، همین موقع

Sie war kaum aus der Tür, als das Telefon klingelte

همین او از درب خارج شد ، تلفن زنگ میخورد

kaum dass die Mutter aus dem Haus war, begannen die Kinder zu streiten

همینکه آن مادر از خانه خارج شده بود ، بچه ها شروع به دعوا کرده اند

نکته : اگر kaum به همراه dass در جمله مورد استفاده قرار بگیرد ، آنگاه معنی همینکه را میدهد و اگر بودن dass می تواند

معنی همین ، در همین حین را بدهد